

بررسی تطبیقی جایگاه عدالت در حقوق زنان در ایران و افغانستان و نقش آنان در مشارکت و توسعه

محمد مهدی نوروزی^۱، فاطمه رجایی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه حکیم سبزواری

^۲ استادیار فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

محمد مهدی نوروزی

چکیده

بالاینکه زن همیشه در کنار مرد در تمدن سازی و رشد و شکوفایی جوامع انسانی مستقیم یا غیرمستقیم نقش آفرین بوده است، ولی از دیرزمان مورد ظلم و داورهای غیرمنصفانه قرار گرفته است. رفتار ظالمانه نظام‌های و سیاست‌های بهره‌کشی از زنان و فقدان دیدگاه‌های انسانی و بشری نسبت به زنان در طول تاریخ، انواع محرومیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را به آنان تحمیل نموده است. قرآن کریم پس از اعطای حقوق اولیه زنان و دفاع از شخصیت انسانی آنان، در موارد جزئی و کاربردی‌تر نیز از حقوق آنان سخن گفته است و حقوق و تکالیف آنان را مشخص کرده است. یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارند. این تحقیق سعی دارد به‌صورت تطبیقی جایگاه عدالت در حقوق زنان در دو کشور افغانستان و ایران و نقش آنان را در مشارکت و توسعه بررسی نماید؛ و سعی شده به اهمیت آموزش و دخالت زن در فرایند تصمیم‌گیری زنان افغانستان در حال حاضر وضعیت نامناسبی از شرایط اجتماعی، بهداشتی، رفاهی و محرومیت‌های ناشی از فقر و تبعیض را تحمل می‌کنند. این در حالی است که زنان در ایران دارای شرایط بهتری هستند؛ بنابراین آنچه در جامعه‌ی افغانستان تحت عنوان «(جندر)» مطرح می‌شود اصطلاحاً همان حقوق، مسئولیت، امتیاز دادن و برابری زن و مرد در امور زندگی است که با کشور ایران مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: زن، جندر، عدالت، افغانستان، مشارکت، توسعه

مقدمه

عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (محمد معین، ج ۲، ۲۲۷۹).

در ذیل به برخی از مفاهیم مرتبط به موضوع به اختصار اشاره می‌شود:

عدالت: عدالت را از زوایای گوناگونی می‌توان نگاه کرد: عدالت در آفرینش که به آن عدالت تکوینی گفته می‌شود، عدالت در قانون‌گذاری که عدالت تشریعی نامیده می‌شود؛ عدالت در برابری همگان در اجرای قانون که عدالت صوری خوانده می‌شود؛ و عدالت در فرد که یک صفت انسانی است (حسنعلی علی‌اکبریان، ۲۴).

در باره‌ی مفهوم عدالت دیدگاه‌ها مختلف بوده و نظریات متفاوتی مطرح می‌گردد:

سطوح مختلف در تبیین عدالت

برای تبیین سطوح مختلف در تعریف عدالت دو بیان وجود دارد:

بیان اول: آیا جامعی میان تعاریف مختلف عدالت در هر یک از زوایای یادشده وجود دارد؟ مثلاً آیا می‌توان تعریف عدالت را به‌قرار دادن هر چیز در جای خود یا اعطای حق به هر صاحب حقی جامع میان همه‌ی تعاریف دانست؟ اگر چنین باشد می‌توان تعریف عدالت را به دو سطح کلی و جزئی تقسیم کرد.

بیان دوم: اکثر مکاتب ادعای عدالت داشته و عدالت را نیک می‌شمارند ولی اختلاف فاحشی میان آنان بر سر عدالت است. مثلاً اگر عدالت را اعطای حق به هر صاحب حقی تعریف کنیم، نزاع مکاتب مختلف بر سر عدالت برداشته نمی‌شود؛ یکی حق را چیزی می‌داند و دیگری چیز دیگر و به‌تبع، یکی حکمی را عادلانه می‌داند و دیگری ظالمانه. پس این تعریف چنان کلی است که از خاصیت فصل خصومت ساقط‌شده است. و هر قدر که تعریف کلی عدالت را با قیودی جزئی‌تر کنیم باز فصل خصومت نمی‌کند مگر اینکه از تعریف کلی و مفهوم چشم پوشیده شود و مستقیم دست روی مصادیق آن که حکم عادلانه است گذاشته شود. اینجاست که دیگر جامع مشترکی وجود ندارد و فصل خصومت می‌شود (حسنعلی علی‌اکبریان، ۲۵).

حال با توجه به مطالب مذکور، مباحث مطرح را در این پرسش طرح می‌کنیم.

از آنجاکه در نظام حقوقی ایران، زنان در وضعیت بهتری هستند، منزلت برابر زنان با مردان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ذیل موردتوجه قرار گرفته است:

۱. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (قانون اساسی، اصل ۱۴/۳).

۲. همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (قانون اساسی، اصل ۲۰).

در قوانین عادی، اصل بر عدم تبعیض بین زنان و مردان هست.

در قانون اساسی افغانستان نیز زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق مساوی می‌باشند و در اصل ذیل موردتوجه قرار گرفته است: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و عجایب مساوی می‌باشند (اصل ۲۲).

حال باین‌وجود می‌خواهیم جایگاه عدالت در حقوق زنان در حقوق ایران و افغانستان و مشارکت آنان را در رشد و توسعه بررسی نماییم.

مبحث اول: عدالت زن در جهان

تقسیم‌کار در میان زن و مرد از همان ابتدای تاریخ از زمانی که زنان در غارها به تربیت و نگهداری فرزندان می‌پرداختند و مردان برای شکار به خارج از غارها می‌رفتند، صورت می‌گرفته است. به تدریج در طول تاریخ و با تحولات گوناگون بشر، تقسیم‌کار زمانی پدید آمد که تخصص مطرح شد، ولی مبنای رابطه میان زنان و مردان و تقسیم وظایف آن‌ها موضوعی بسیار فراتر از بحث تخصص بوده است و سابقه‌ی طولانی دارد. وظایف مربوط به فرزندان اعم از تحصیل، بهداشت و... را بر عهده مادر می‌گذارند که این امر خود علاوه بر مشکلاتی

که برای زنان به وجود می‌آورد، فرزندان را نیز به بستر چینی مشکلاتی روانه می‌کند. فرزندان نیاز به الگوبرداری از والدین به‌خصوص پدران می‌دانند.

با توجه به مردسالاری بودن جامعه، تقسیم‌کار به شیوه درستی انجام نمی‌شود و یا بسیار ناچیز است. این در حالی است که این امر در بیشتر جوامع شرقی و جهان سوم امری عادی تلقی می‌شود. در گذشته زنان وظایف مشخصی را بر عهده داشتند اما در حال حاضر وظایف آن‌ها چندگانه است به صورتی که تقسیم و به‌کارگیری درست افراد سلب می‌شود. به‌طور کلی در کشورهای غربی که نقش لیبرالیستی وجود دارد زنان به فعالیت‌ها و نقش‌های زیادی دست‌زده‌اند امروزه انواع مشاغل سنگین که به‌خصوص از لحاظ جنسی و روحی کمتر با توان زنان تناسب و هماهنگی دارد به آنان واگذار شده است اما در کنار این بحث باید یادآور شویم که بحث به دست آوردن حق و حقوق و تساوی بین زن و مرد، باعث احراز مسئولیت‌های سنگین، کمرشکن و مخالف با جسم و روح زن متفاوت است. متأسفانه امروزه حتی در کشورهای پیشرفته با میزان کار مساوی و تخصص و کار آیی یکسان میزان حقوق و امتیازات مردان نسبت به زنان بیشتر است و بازهم در شغل‌های کلیدی و مدیریتی کمتر شاهد حضور زنان یا انتخاب آزادی هستیم.

فقر پدیده‌ای دردناک است که زنان بیشتر از بقیه افراد از آن آسیب می‌بینند چراکه مسئولیت خانواده بر دوش زن خانه باشد که البته مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... بر این مسئله دامن می‌زند. وجود شهرهای بزرگ و صنعتی و در نتیجه شاغل بودن زنان در ادارات و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها باعث به وجود آمدن قشری به نام کارگر زن شده است؛ و این قشر را بیشتر زنانی تشکیل می‌دهند که همسرانشان به دلیل بیکاری، اعتیاد و بیماری یا مرگ قادر به تأمین خانواده نیستند.

از مهم‌ترین و اساس‌ترین مشکلاتی که سر راه زنان کارگر در ایران وجود دارد پایین بودن سطح درآمد آنان و کافی نبودن حقوق آن‌هاست که قانون کار و ترجمان‌ها باید یک تعادل را میان شغل آن‌ها و وظایف خانه‌داری آنان ایجاد کنند. مسئله دیگری که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد بحث فرهنگ اجتماع امروزی و برخی تفکرات متضاد با آن‌ها است. وجود مقوله‌ی پدرسالاری و یا مردسالاری یک دسته از زنان جامعه کارگر را به وجود می‌آورد که با وجود نیاز بسیار بالا به کار و شغل باید این مسئله را در نظر بگیرند که کاری پیدا کنند که از نظر شأن و خانوادگی معقول و مورد قبول باشد (پروانه خانی، ۳۳).

دکتر سید محمدعلی بتولی روانشناس بالینی در این باره می‌گوید: در کشور ایران چون در حال انتقال از وضعیت سنتی به مدرن هستیم (و نه در مرحله‌ی مدرن) لذا عوارضی به وجود می‌آید، با ازدواج اگر فرد دارای تفکر باز باشد از این جهت که همسر وی شاغل است نه تنها مشکلی ندارد بلکه راضی و خشنود هم هست. لازم به ذکر است که تداوم و موجودیت این قشر از جامعه و نیروی کار کشور به بستگی به برخورداری از امتیازات اقتصادی و اجتماعی و راهکارهای قانونی برای دفاع و دادن تسهیلات مفید و قابل توجه به آن‌هاست (خزعلی، ۴۷). زنان افغانستان در دوره‌های گذشته تاریخی شاهد برخوردهای نامأنوس و نامتناسب از سوی دولتمردان بوده‌اند، این زنان در یک دوره تاریخی با تحولات اجتماعی سنت ستیزانه و غرب مآبانه مواجه گشتند و در دوره‌ای دیگر با تبعیض، ظلم، تعدی و انواع خشونت‌ها مواجه بودند که مغایر با ارزش‌های اسلامی و قوانین اسلامی هست.

چنانچه در بستر اقتصاد بحران‌زده افغانستان اندکی تأمل کنیم حقایق ملموسی از اهمیت تشریک‌مساعی زنان در اقتصاد کشور را می‌یابیم هرچند نقش سنتی زنان و کار بدون مزدشان در خانه این مشارکت را نادیده می‌انگارد، اما جای شکی نیست که درآمد زنان و تلاش آنان در شرایط بحرانی و چه در گذشته، جزء لاینفک علت بقای اکثر خانواده‌های فقیر بوده است. باین‌حال، این دیدگاه که مردان نان‌آور اصلی خانه بوده زنان به آن‌ها وابسته هستند در جامعه سایه انداخته است و این موضوع باعث شده تا به‌رغم مسئولیت‌های مضاعف زنان در بحران‌های اقتصادی، آنان از امتیازات و اختیارات لازم در صحنه اقتصاد محروم بمانند. در جامعه افغانستان چه بسیارند زنان بیوه و بی‌سرپرستی که فرزندان و افراد سالمندی را تحت تکفل دارند و با هر مشقتی مخارج آنان را تأمین می‌کند و وظیفه‌ی یک مرد را به دوش می‌کشند چراکه در شرایط بحرانی فعلی و بی‌کاری گسترده که جامعه با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند در بسیاری موارد این زنان هستند که با انجام مشاغل خانگی و حتی کار در بیرون از خانه، اقتصاد خانه را می‌گردانند.

این مسئله هم قابل‌انکار نیست که در سال‌های جنگ و منازعات مسلحانه، بسیاری از زنان نقش سرپرستی خانواده‌های خود را در غیاب مردان که یا کشته شدند یا مهاجر شدند و یا جهاد می‌کردند، بر عهده گرفتند، درحالی‌که نقش زنان افغانستان در رسانه‌ها و تحلیل‌های مسئولین تنها به‌صورت قربانیان منازعات تشریح می‌گردد که با چنین دیدی مسلماً سهم آنان در توسعه و پیشرفت کشور در آینده نیز همچنان نادیده انگاشته می‌شود (صدیقه رضایی، ۱۲۸).

امروزه در شهرها، باوجود زمینه جذب زنان به بازار کار به علت یک سری موانع خاص فرهنگی و اجتماعی، مشارکت مستقیم زنان در اقتصاد کشور، در سطح محدودی باقی‌مانده است درحالی‌که آمارهای جهانی نشان می‌دهد در مواقع بحران اقتصادی معما این زنان هستند که مسئولیت تأمین معاش خانواده را به عهده می‌گیرند؛ در همین کابل بسیارند مردانی که چشم به دستان همسرشان دارند چون واقعاً بی‌کاری برای مردان بیداد می‌کند در صورتی‌که زنان از طریق انجام برخی کارهای سنتی و خانگی می‌توانند درآمدی هرچند ناچیز

داشته باشند. پس ما نمی‌توانیم نقش زنان را به‌عنوان نیروهای حقوق‌بگیر در بازار کار و همچنین تشریک‌مساعی آنان از اقتصاد جامعه نادیده بگیریم، درواقع نیاز دوجانبه مشارکت زنان و جامعه بر وجود این تشریک‌مساعی تأکید می‌ورزد. از این‌رو زنان افغانستان هرچند بازیگران نامرئی صحنه اقتصاد کشور هستند اما هنوز صبورانه بار تداوم ملی را نیز به دوش می‌کشند، مخصوصاً در زمینه ی صنایع دستی هنری _ مصرفی نظیر قالی، گلیم، لباس‌های سنتی، حاشیه بافی، خامه‌دوزی و غیره؛ مخصوصاً این‌که این صنایع اثرات قابل‌ملاحظه‌ای در برطرف نمودن و یا تخفیف و تعدیل مسائل اجتماعی و توسعه اقتصادی کشور دارند (صدیقه رضایی، بازیگران نامرئی اقتصاد، ۱۶۳).

اهمیت عدالت در اسلام

اهتمام علی‌علیه‌السلام به امر حکومت به‌منظور برپایی حق و عدالت که می‌فرماید: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود، و یاران حجت را بر ما تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر ستمکاری ستمکاران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان انداخته، رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه‌ی اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید یک دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است. امام علی علیه‌السلام در اجرای عدالت و برقراری آن، به‌شدت عمل به خرج می‌داد و اعمال و رفتار کارگزاران خود را به‌طور دقیق زیر نظر می‌گرفت.

پس از شهادت حضرت علی یک روز سوده، دختر عمار که از قبیل همدان بود بر معاویه وارد شد. معاویه فعالیت‌های سوده را که در جنگ صفین در سپاه امام علی (ع) بود به یادداشت، لذا او را سرزنش کرد، آنگاه از او پرسید برای چه اینجا آمده‌ای؟ سوده گفت: ای معاویه خداوند تو را به‌واسطه‌ی سلب حقوق واجب ما (مردم) بازخواست می‌کند. تو پیوسته فرماندارانی برای ما می‌فرستی که ما را همچون محصول رسیده، درو می‌کنند. اینک این بشر بن اراطه را فرستاده‌ای که مردان ما را می‌کشد و اموال ما را می‌برد... اگر او را عزل کنی چه‌بهرتر و گرنه ما خود قیام خواهیم کرد... معاویه عصبانی شد و گفت ما را به قبیله‌ی خود می‌ترسانی تو را با بدترین حالت نزد ((بشر)) می‌فرستم تا با تو هر چه می‌خواهد و می‌داند انجام دهد. سوده اندکی ساکت شد و آنگاه گفت: درود خداوند بر آن روان که در گور خفت و با مرگ او عدالت و دادگری به خاک سپرده شد او هم‌پیمان حق و راستی بود و حق را با هیچ‌چیز عوض نمی‌کرد. حق و پیمان در او یکجا فراهم آمده بود.

معاویه سؤال کرد این‌یک نفر چه کسی است که می‌گویی؟ سوده پاسخ داد حضرت علی ابن ابی‌طالب امیرالمؤمنین. ای معاویه روزی نزد او رفتم و می‌خواستم از مأمور جمع‌آوری زکات شکایت کنم وقتی رسیدم، او به نماز برمی‌خاست اما تا که مرا دید به نماز نایستاد و باروبی گشاده و مهربانی فرمود آیا حاجتی داری؟ گفتم آری و شکایت خود را عرض کردم و آن بزرگوار همچنان که بر آستانه نماز ایستاده بود گریست و آنگاه به خداوند عرض کرد: خدایا تو آگاه و شاهد باش که من هرگز فرمان ندادم که او به بندگانم ستم کند (ساطع، ص ۵۴ و ۵۱).

مبحث دوم: زن و توسعه

از مفهوم زن در توسعه معانی مختلفی ارائه می‌شود:

۱- برابری در برابر قانون: اولین معنی که می‌توان از مفهوم زن در توسعه برداشت کرد، برابری زنان و مردان در برابر قانون است و این معنی به‌منزله یک هدف از محورهای اولیه تلاش گروه‌های مختلف زنان در جهان بوده است تا آنجا دنبال شده است که امروز اکثر دولت‌ها، دفاتر مرکزی را برابر حقوق زنان احداث کرده‌اند، گر چه اغلب این حقوق به‌جز در میان طبقه سوم غربی، به خاطر رسوم اجتماعی و نظام پدرسالاری اجرا نمی‌شود.

از طرف دیگر هواداران زن در توسعه معتقد بودند که برای زنان فقیر، قدرت اقتصادی تأثیر بیشتری روی حقوق زنان خواهد داشت تا قوانین غیرقابل اجرا.

۲- آموزش: آموزش زنان چه از سوی برنامه‌سازان و چه از سوی هواداران به‌عنوان پیش‌شرط بهبود موقعیت زنان فهمیده می‌شود. در سازمان ملل کمیسیون زنان مکرراً دولت‌ها را به افزایش فرصت‌های تحصیل رسمی برای دختران و زنان تشویق می‌کند.

۳- توسعه اقتصادی: توسعه اقتصادی برای زنان اولویت اولیه زن در توسعه بوده است و در آغاز تصور می‌شود که می‌باید زنان را در برنامه‌های توسعه ادغام کرد تا بتوان آن‌ها را از ثمرات توسعه بهره‌مند نمود (پروانه خانی، ۳۳).

حال با این‌وجود نزدیک به نیم‌قرن است مسئله توسعه در عرصه جهانی مطرح‌شده و اندیشمندان اجتماعی_اقتصادی، کتاب‌ها و مقالات مختلفی در بیان اهمیت و راهکارهای اجرای آن ارائه داده‌اند و مدیران و مسئولان جوامع مختلف، در تعیین استراتژی توسعه و عملیاتی کردن آن سعی و کوشش فراوان نموده‌اند. با این‌حال، امروزه فقط برخی از کشورها و عمدتاً جوامع غربی، تحت عنوان کشورهای توسعه‌یافته شناخته می‌شوند و بقیه، جزو کشورهای درحال توسعه و یا توسعه‌نیافته به شمار می‌روند.

موقعیت ژئوپولیتیک افغانستان و اهمیت استراتژیک آن موجب گردیده که تاریخ این سرزمین شاهد وقایع دهشت انگیز و جنگ‌های پیاپی قدرت طالبان شد؛ مانند تجاوز و اشغال توسط قدرت‌های بزرگ همچون که موجب شد مدت‌های مدید و به‌صورت پیاپی جنگ در این سرزمین ادامه داشته باشد (ماهنامه‌ی انسجام، ص ۶۹). از این رو بی‌تردید افغانستان یکی از سنتی‌ترین و توسعه‌نیافته‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. کشوری که فقر و انبوهی از مشکلات امنیتی و بهداشتی و ... را تحمل می‌کند. در افغانستان زنان به لحاظ سواد نیز در حد پایینی قرار دارند که در سنین بین ۵ تا ۳۴ سال ۱۸ درصد از زنان به خواندن و نوشتن دسترسی دارند (نقش زنان در آینده‌ی افغانستان مارس ۲۰۰۵، بانک جهانی). از لحاظ فقر غذایی نیز به‌طور کامل و در میان آنان دختران و زنان بیشتر با سوء‌تغذیه و فقر غذایی مواجه هستند تا جایی که ۷۱ درصد زنان باردار و ۸۹ درصد زنان غیر باردار از کم‌خونی رنج می‌برند (تحلیل وضعیت اطفال و زنان در شرق افغانستان، سروری جمعی چند شاخصه ۲۰۰۰ افغانستان - سری دوم، جلد دوم، سپتامبر ۲۰۰۱). یکی از چالش‌های اساسی در رابطه با عدم رشد زنان، پدیده خشونت علیه زنان است که انواع خشونت‌های جسمی، روانی و جنسی را شامل می‌شود. طبق تحقیقاتی که در دفتر UNIFEM در این رابطه انجام داد از میان ۱۳۲۷ واقعه خشونت علیه زنان که در افغانستان ارزیابی گردیده، ۳۰/۷ درصد آن خشونت فیزیکی، ۳۰/۱ درصد آن خشونت‌های روانی (تهدید، جلوگیری از دیدن اقوام و خانواده و...) و ۱۴ درصد آن ترکیب سه خشونت فوق‌الذکر و اختلاف و اتهامات بوده است (یونیت، ماه می سال ۲۰۰۶، پروژه دوم تحقیقات در مورد خشونت علیه زنان در افغانستان).

مبحث سوم: مفهوم مشارکت و اشکال آن

مشارکت انسان‌ها در روند توسعه نزد صاحب‌نظران از چنان اعتباری برخوردار است که بعضاً توسعه را معدل مشارکت می‌دانند. از این رو می‌توان گفت که دستیابی به توسعه بدون اتخاذ روش‌هایی که در آن مشارکت مردمی امکان‌پذیر نباشد غیرممکن است، مشارکت در حقیقت امری است که انسان‌های ناتوان را به‌سوی توانمندی هدایت کرده و توانایی‌های بالقوه آنان را بالفعل می‌نماید و بر قدرتشان در جهت بهره‌گیری از زندگی می‌افزاید (طالب، ۳۴). مشارکت عبارت است از دخالت انسان در سرنوشت خویش و مشارکت واقعی در کلیه مراحل زندگی از تصمیم‌گیری تا ارزشیابی و اصلاح مجدد را شامل می‌شود.

مفهوم مشارکت می‌تواند بر سه ارزش بنیادین قرار گیرد:

۱- سهم کردن زنان و مردان در قدرت و اختیار

۲- اجازه دادن به زنان و مردان به نظارت بر سرنوشت خویش

۳- گشودن راه پیشرفت به روی همه اعم از مرد و زن

بنابراین مشارکت به معنای دخالت همه‌جانبه مردم در فرآیندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در پاره‌ای موارد ممکن است مردم کنترل مستقیم و کاملی در فرآیندهای فوق‌الذکر داشته باشد و در بعضی موارد نیز امکان دارد این کنترل به‌صورت جزئی یا غیرمستقیم باشد؛ اما در عین حال مهم‌ترین راهی که مردم از طریق آن می‌توانند در قدرت و تصمیم‌گیری دخالت داشته باشد، مشارکت است (صدیقه رضایی، ۴۹).

اشکال مشارکت عبارت‌اند از:

همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش‌های اجتماعی.

بنابراین مشارکت از هر نوعی که باشد سود متقابل بین فرد و جامعه را برقرار می‌کند.

در افغانستان به دلیل سه دهه جنگ اکثریت نفوس از جمله زنان از فقر و محرومیت رنج می‌برند و این فقر فراگیر در کنار ناامنی و رسوم نادرست در برابر زنان موجب شده که آنان از دسترسی به خدمات، فرصت‌ها و منابع که برای پیشبرد یک زندگی کامل و رضایت‌بخش ضروری هست محروم بمانند. در شرایط فعلی، خدمات صحیح ناکافی و فاقد معیارهای جهانی و غیرقابل‌دسترس، به پایین آمدن میزان امید به زندگی در زنان و مرگ‌ومیر آنان مخصوصاً در هنگام ولادت انجامیده است.

اما زنان ایرانی همواره برای اکتساب حقوق خود تلاش کرده‌اند. این تلاش‌ها در یک‌صد سل اخیر به نحو چشم‌گیری افزایش یافته است. زنان در انقلاب مشروطیت در زمره فعالان مؤثر و در انقلاب اسلامی در زمره بازیگران اصلی بوده‌اند و برای دستیابی به آزادی خود فعالانه کوشیده‌اند. زنان ایرانی هرگز نخواستند صرفاً به انتظار بنشینند تا دیگران سرنوشت آنان را کنترل کنند.

زنان ایرانی از برکت استقامت، فداکاری و تلاش‌های فراوان خود توانسته‌اند تا حدود زیادی پایگاه‌های شغلی خود را حفظ کند و هم‌اینک نیز برای ارتقای جایگاه شغلی خویش بدان حد که شایسته‌ی توانمندی‌ها و استعدادهای فراوان آنان باشد، تلاش می‌نمایند (شمس السادات زاهدی، ۷۵).

نتیجه‌گیری

- ۱- درباره‌ی مفهوم عدالت دیدگاه‌ها مختلف بوده اکثر مکاتبی که ادعای عدالت داشته و عدالت را نیک می‌شمارند ولی اختلاف فاحشی میان آنان بر سر عدالت است. مثلاً اگر عدالت را اعطای حق به هر صاحب حقی تعریف کنیم، نزاع مکاتب مختلف بر سر عدالت برداشته نمی‌شود؛ یکی حق را چیزی می‌داند و دیگری چیز دیگر و به تبع، یکی حکمی را عادلانه می‌داند و دیگری ظالمانه.
- ۲- در قانون اساسی ایران و افغانستان وضعیت منزلت برابر زنان در اصل ۱۴/۳ و اصل ۲۰ در قانون اساسی ایران و در قانون اساسی افغانستان در اصل ۲۲ پیش‌بینی شده است.
- ۳- از مفهوم زن در توسعه معانی مختلفی ارائه می‌شود: ۱- برابری در برابر قانون ۲- آموزش ۳- توسعه اقتصادی
- ۴- مفهوم مشارکت می‌تواند بر سه ارزش بنیادین قرار گیرد:
 - ۱- سهمیم کردن زنان و مردان در قدرت و اختیار
 - ۲- اجازه دادن به زنان و مردان به نظارت بر سرنوشت خویش
 - ۳- گشودن راه پیشرفت به روی همه اعم از مرد و زن
- ۵- افغانستان یکی از سنتی‌ترین و توسعه‌نیافته‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. کشوری که فقر و انبوهی از مشکلات امنیتی و بهداشتی و ... را تحمل می‌کند و یکی از چالش‌های اساسی در رابطه با عدم رشد زنان، پدیده خشونت علیه زنان است. در کشور ایران چون در حال انتقال از وضعیت سنتی به مدرن هستیم (و نه در مرحله‌ی مدرن) لذا عوارضی به وجود می‌آید، با ازدواج اگر فرد دارای تفکر باز باشد از این جهت که همسر وی شاغل است نه تنها مشکلی ندارد بلکه راضی و خشنود هم هست. لازم به ذکر است که تداوم و موجودیت این قشر از جامعه و نیروی کار کشور به بستگی به برخورداری از امتیازات اقتصادی و اجتماعی و راهکارهای قانونی برای دفاع و دادن تسهیلات مفید و قابل توجه به آن‌هاست
- ۶- در افغانستان به دلیل سه دهه جنگ اکثریت نفوس از جمله زنان از فقر و محرومیت رنج می‌برند و این فقر فراگیر در کنار ناامنی و رسوم نادرست در برابر زنان موجب شده که آنان از دسترسی به خدمات، فرصت‌ها و منابع که برای پیشبرد یک زندگی کامل و رضایت‌بخش ضروری است محروم بمانند. در ایران زنان به نسبت مردان در جامعه سهمیم هستند و نیمی از سرمایه انسانی را تشکیل می‌دهند؛ و جای بسی خوشنودی است که هم‌اکنون کثیری از زنان صاحب‌منصب‌های مدیریتی و صاحب پست‌های اداری و امتیازهای کاری در کشور هستند.

منابع و مراجع

- [۱] علی اکبریان، ح، قاعده‌ی عدالت در فقه امامیه، قم، پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی، ۱۳۸۶.
- [۲] معین، م، فرهنگ لغت فارسی، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- [۳] خانیا، پ، "مجموعه مقالات همایش منطق‌هایی دانشگاه آزاد اسلامی فلاورجان"، انتشارات میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۸۴.
- [۴] خزعلی، ک، زن، عقل، ایمان، مشورت، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰.
- [۵] رضایی، ص، زنان افغانستان؛ مشارکت، توسعه، کابل، انتشارات فرهنگ، ۱۳۸۹.
- [۶] رضایی، ص، "بازیگران نامرئی اقتصاد"، روزنامه پیمان_سال اول، شماره ۱۶۳، ۱۳۸۷.
- [۷] ساطع، م، امیر و عدل و شکوه حقیقت، اصفهان، فرهنگ مردم، ۱۳۸۱.
- [۸] نقش زنان در آینده‌ی افغانستان مارس ۲۰۰۵، بانک جهانی.
- [۹] تحلیل وضعیت اطفال و زنان در شرق افغانستان، سروری جمعی چند شاخصه ۲۰۰۰ افغانستان- سری دوم، جلد دوم، سپتامبر ۲۰۰۱.
- [۱۰] یونیتیم، ماه می سال ۲۰۰۶، پروژه دوم تحقیقات در مورد خشونت علیه زنان در افغانستان.
- [۱۱] طالب، "طرحی برای مدیریت روستایی"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۹، ۱۳۷۴.
- [۱۲] زاهدی، ش، زن و توسعه، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶.